

خبرنامه

چریکهای فدائی خلق ایران - مازندران

تاریخ ۱۳۵۹ / ۲ / ۲۱

ویژه

شماره: ۲۲

گزارشی از

کارخانه قند میانندوآب

باید در جریان مبارزات توده‌ها،
در هر شکل و سطحی که باشد،
قرار داشت و آنرا ارتقاء داد!

پیش‌بینی سازمان‌دهی مسلح توده‌ها!

تکنیر از

هوا دازان چریکهای فدائی خلق لار اروپا

از نظرایمنی کارگران هیچگونه تضمینی ندارند حتی اگر دست و پای کارگری لای واگونها گیرکند و بسا بمنابین مختلف زخمی شود، وسیله‌ای برای انتقال او به بیمارستان وجود ندارد و چه بسا که این امر موجب بروز عواقب ناگواری گردد. ناکفته نماند که هر ساله بین ۱۰ تا ۱۰۰ کارگر هنگام کار دچار آسیب و یا مجروح میشوند.

در برخی از قسمتهای کارخانه به علت ایجاد شدن گاز CO در هنگام کار ماشینها، تنفس سختی انجام میگیرد ولی از دستگاههای تهویه، موثر و یا سایر تجهیزات خشنی کفنده این گاز سمی و خطرناک خبری نیست. روزانه به کارگران دشم نیم لیتر شیر میدهند ولی کارگران فصلی از همین مقدار شیر نیز محرومند. بعلاوه کارگران فصلی از حقوق بازنشستگی و سایر مزایایی که از نظر قانونی برای کارگران دائم برسمیت شناخته شده است محرومند. لازم به تذکر است که از نظر شدت، بین کاری که کارگران دائم بدان مشغولند و کاری که کارگران موقت بدان میپردازند تفاوتی موجود نیست که بحساب بیاید.

تا سال ۵۷، کوچکترین حرکت کارگران با واکنش شدید ایادی و عوامل خود فروخته سرمایه گذاران کارخانه، یعنی همان وابسته‌های حلقه بگوش بیگانگان روبرو میشد و به دخالت سرنیسه‌سزده داران اونیفورم پوش و دژخیمان ساواک میانجامید. در زمان زیاست " پایدار " بسیاری از کارگران کارخانه که از نظر این مزدور کشیف " ناباب " تشخیص داده شده بودند، با اخراج شدند یا کتک خوردند و یا به ساواک مهاجد معرفی شدند تا مورد پیگرد قرار گیرند.

در سال ۵۷، همزمان با مبارزات دلاورانه خلق ما، کارگران این کارخانه هم ضمن شرکت در اشکال مختلف مبارزه، بر علیه رژیم منفور سابق، با طرح خواسته‌های مشخصی به مبارزات صنفی - سیاسی نیز دست میزنند و با تعطیل کارخانه و اعلام اعتصاب بر شدت فعالیت‌های خود برای برانداختن رژیم ضد مردمی پیشین می افزایند.

یکی از کارگران فعال (حدوداً ۵۰ ساله) که با مبارزات صادقانه‌اش برای کارگران شناخته شده بود به نمایندگی انتخاب شد. او پس از انتخاب کوشید حرکت کارگران راست دهد و آنها نشان دهد برای دگرگون کردن شرایط سخت زندگی خود باید مبارزه، رادرجهات انقلابی اش همچنان ادامه دهند و لسی عوامل نفوذی که همان خود فروختگان بودند با سمپاشی و ایجاد شکاف و دامن زدن بآن شرایطی بوجود آوردند که کارگران از نمایندگی حمایت نکردند و حرکت نماینده در آن هنگام به نتایج مطلوب و انقلابی نرسید اما مجموعه جریاناتی که اتفاق افتاد تجربیات گرانبهای برای کارگران بجای نهاد.

در کارخانه قند میاندوآب از " شورا " و " سندیکا " خبری نیست. البته دفتری بنام " سندیکای کارگران کارخانه قند " وجود دارد ولی چون درش از سال قبل لاک و مهر شده و کسی در آن رفت و آمد نمیکند، قفلش زنگ زده است!

همانطور که مسلم است عدم وجود یک دفتر نمیتواند مانع از مبارزه کارگران شود و آنها با تفاسق نمایندگان نشان بخصوص این اواخر مبارزات پرشوری را از سر گذراندند.

از مدت‌ها پیش از تحویل سال نو مسئله سودویژه و سایر مزایا مورد بحث کارگران بخصوص آگاه ترینشان بسود و هرچه عمده ۵۹ نزدیکتر شد، این مسئله بیشتر ذهن کارگران را بخود مشغول میساخت. بالاخره کارگران باین نتیجه رسیدند که مسئولین نمیخواهند سهم سودویژه را بآنان بپردازند لذا تصمیم گرفتند بطور جدی تری درخواست خود را عنوان کنند و برپا فشاری برای گرفتن حقتان بیفزایند. برای آنکه حرکتهایشان از نظم بیشتری برخوردار باشد و سریعتر پیش رود تصمیم گرفتند نمایندگان انتخاب کنند.

در اینجا فکر نکته‌ای لازم است:

مزدوران و نوکران امپریالیسم نیز اوج گیری لحظه به لحظه حرکات کارگران را شاهد بودند. جنبش کارگران بخشی از مبارزات دلاورانه همه مردم تحت ستم است که هر روز تعالی مییابد و در این جنبش خلفهای تحت ستم، دهقانان زجرکش، و سایر اقشار مترقی و آزادیخواه، از جمله پرسنل انقلابی ارتش نیز، کارگران دلیر میهن ما را همراهی میکنند. از اینرو برای سرکوب جنبش کارگری، مزدوران امپریالیسم لازم می بینند که مبارزات این اقشار و نیروهای آزادیخواه را نیز به طریق ممکن سرکوب نمایند تا پشت حبه مبارزات کارگری را تضعیف نمایند و مانع از رسیدن کارگران به حقوقشان شوند. لذا در همان زمان، وزارت دفاع ملی با درک این واقعیت که مبارزه پرسنل مترقی و انقلابی ارتش، وضعیت امپریالیسم رادروطن مابد خطر خواهد افکند، بخشنامه ۹۰۲ - ۱۲ - ۲۰۵۵ - ۵۸/۹/۶ را صادر کرد که در آن از پرسنل انقلابی درخواست شده بود تن به اطاعت کورکورانه از مزدوران امپریالیسم دهند و از مبارزه دست بکشند. این نامه در شرایطی نوشته شد که جنبش انقلابی خلق به خود فروختگان اجازه نمیی

داد دیگر کاملاً چون دوران شاه با "منطق جماع وزندان و سرنیزه" کار خود را پیش ببرند و ناچار توسل به فریبکاری برای جلوگیری از رشد مبارزات مردم و ممانعت از پیروزی نهائی خلق لازم بود. محسوس است که این نامه که سراسر آن سرشار از فریبکاری و جانلوسی در برابر پرسنل مترقی و انقلابی و تهدید آنها است، برای کارگران کارخانه قند میاندوآب نیز ارسال شد. وابستگی کارخانه قند میاندوآب به "شرکت سهامی کارخانجات اتکا" بهانه خوبی بدست جیره خواران امپریالیسم داد تا تمام دستسور عملیاتی را که لازمه حفظ سلطه، جهمی سرمایه‌داری وابسته است، مستقیماً بصورت بخشنامه بسد کارگران ابلاغ کنند. و ارسال بخشنامه‌های نظامی به کارخانه نشان میدهد که زورمندان ضد خلق چقدر آرزو میکنند در این محیط نیز مانند ارتش اطاعت کورکورانه را بتوانند رواج دهند. رفیق کبیر امیر پرویز هوپان در تشریح سرمایه‌داری وابسته و روشهایی که برای حفظ منافع خود اتخاذ میکند میگوید:

کارخانه‌های بزرگ در واقع سربازخانه‌هایی تبدیل میشوند که سربازان مولد را بکار میکشند. اکنون درخواست نامه وزارت دفاع ملی که برای کارگران ارسال شده و از آنها میخواهد "از هرگونه اعمال خودسرانه سرپیچی از دستورات" و "تجمع‌ها و حرکات تشنج‌زا" و "اجرای طرحهای توطئه آمیز"؛ "قویا بفرمانده باشید" نمونه‌ایست که نشان میدهد سرمایه‌داری وابسته برای حفظ موجودیت خود ناچار است شرایط خفقان آمیزی برقرار نماید که رفیق کبیر نیز دقیقاً آنرا تشریح نموده است.

اما هیچک از اقدامات و پیش‌بینی‌های نیروهای ضد خلقی نتوانست مانع از گسترش فعالیت‌های مبارزاتی کارگران شود.

فعالیت‌های کارگری در این کارخانه بیشتر از طریق نمایندگان که توسط خود کارگران انتخاب شده‌اند انجام می‌پذیرد. نمایندگان میکوشند آنچه را که مورد درخواست کارگران است بخوبی انجام دهند، یعنی ضمن کوشش و مبارزه برای گرفتن حق کارگران، ارتباط نزدیک و همبستگی خود را با آنان حفظ کنند و از طریق شور و نظرخواهی از کارگران، بیشتر در جریان مشکلات مشترکشان قرار گیرند و راه‌حلهای مناسبتری بیابند.

هنگام انتخابات برای برگزیدن این نمایندگان، کارفرما شروع به یخش‌اکاذیب و فریفتن کارگران نمود. وی ضمن جعلیاتی که برای کارگران سرهم بندی مینمود، برای آنها بقول خود محسوبیت نمایندگان را در نزد کارگران از بین ببرد و بخیال اینکه سخنان آمیخته به یاوه‌های پوچ در کارگران موه‌شر خواهد افتاد بآنان میگفت: این نمایندگان کمونیست هستند..... آنها با ضدانقلابیون () کردستان هم‌دست هستند..... آنها میخواهند از شما امضاء بگیرند، ببرند پیش‌شیخ عزالدین حسینی که او هم کاری کند شاه بایران برگردد!..... آنها بنام شما کارگران اعلامیه کمونیستی صادر میکنند که بر علیه جمهوری اسلامی به رهبری خمینی است..... آنها شمارا بازیچه قرار داده‌اند! و..... ولی کارگران میدیدند اتهامات بیشرمانه‌ای چون طرفداری از شاه جلاد و مانندان، و طله‌هایی هستند که املاً به نمایندگان منتخشان نمی‌چسبند، از اینرو بیش از پیش معتقد میشدند لقب "مال" (به ترکی یعنی حیوان) که به این جانور داده‌اند، لقبی درست است.

کارگران میدیدند که نمایندگانشان بخاطر آنها کاروتلاش میکنند، آنها میگفتند "سال گذشته ما این درس را گرفتیم که هر نماینده‌ای را خودمان انتخاب میکنیم. بعناوین مختلف با و مارک میچسبانند." جریانات بعدی نشان داد که همین سرمایه‌داران وابسته و دولت جمهوری اسلامی که از آنها حمایت میکنند دشمن کارگرانند نه نمایندگان که هستی خود را وقف مبارزه برای بهبود شرایط زندگی کارگران کرده‌اند. کارگران بکمک نمایندگان، پرورش سیاسی خود را تسریع و تکمیل کرده و میکنند. آنها ضمن کسب آگاهی از تجربیات مبارزاتی کارگران سایر کارخانه‌ها دیدیگر نقاط، از نمایندگان خود میخواهند بآنان کمک کنند تا شیوه مناسبی برای ازمیان برداشتن مشکلات و رسیدن به خواسته‌هایشان بیابند. بیاری نمایندگان، کارگران به این نتیجه رسیده‌اند که هیچ امکانی را برای رسیدن به خواسته‌های خود نادیافته نگیرند و از همه امکاناتی که ممکنست دست یافتن به حقوقشان را تسریع کند استفاده نمایند. مثلاً کارگران یادگرفته‌اند که خواسته‌های خود را در "اقاره کاروا موراحتماعی" نیز مطرح کنند و آنها را با فرماندار و سایر باصلاح مسئولین هم در میان بگذارند اما میدانند هرگز نباید انتظار داشته باشند که آنها برای دادن حق بکارگران پیشقدم شوند، بلکه خود کارگران باید متحداً دست‌یکار شوند و آنقدر تلاش و پیگیری در مبارزه‌شان نشان دهند که با مسئولین مربوطه راناجار سازند لاقلاً برخی از خواسته‌های کارگران را برآورده نمایند و یا با پاسخ منفی، ماهیت خود و دولت حامی خویش را هرچه عربانتر نمایان

مازند. کارگران در جریان مبارزات و درگیریهایی که با اصطلاح مسئولین و مراجع قانونی داشتند، بعین دیدند که سخنان نمایندگانشان که میگفتند قانون حامی کارگران نیست بلکه از سرمایه داران کلسه کننده و وطن فروش پشتیبانی مینماید کاملاً درست است.

بهر حال پس از انتخاب شدن، دوندگی نمایندگان برای دریافت سهم سودویژه آغاز شد و بر اثر فشار شدید کارگران و زحمات نمایندگان بالاخره کارفرما ناچار شد با نمایندگان بمذاکره بنشیند و در پایان نخستین جلسه گفتگوها، کارفرما موافقت نمود تا پایان سال ۵۸ مزایای درخواستی کارگران را پرداخت نماید. در این میان کارگران آگاه برای کارگران توضیح دادند که مانیاید به این کاغذها بازبها دلخوش باشیم. کارفرما اگر بتواند حتماً حقمان را بالا میکشد و کارگران را از حبله های سرمایه داران کله کننده و جیره خواران آگاه میساختند تا اینکه کارگران قسمت رفتی در تاریخ ۵۸/۱۲/۳ از پورعظیم رئیس کارخانه، (همان "مال") خواستند که بیاید و در چند مورد توضیحاتی بآنان بدهد ولی رئیس کارخانه از حضور در جمع کارگران امتناع کرد. کارگران هم بار دیگر خواهشهای خود را عنوان و روی آنها با فشاری میکنند تا اینکه کارفرما را مجبور میکنند برای دومین بار با نمایندگان بگفتگو بنشینند و بازم زیر صورتجلسه ای را امضاء کند. البته آقای "مال" اینبار از در قانون وارد شد و در پاسخ کارگران که حق خود را میخواستند میگفت: هرچه قانون بگوید ما بدان عمل خواهیم کرد. یکی از نمایندگان پرسید کدام قانون، قانون شاهنشاهی؟ آقای "مال" پس از یک مکث کشدار گفت: البته تاریخی که قانون کار جدید تدوین نشده ما مجبوریم از قانون گذشته استفاده کنیم. یکی از نمایندگان گفت: پس جنابعالی طاغوتی تشریف دارید. متعاقب آن کارگران بخنسنده افتادند و آقای "مال" که منتظر یک بهانه بود برخاست و جلسه را نیمه تمام ترک کرد.

کارگران اصرار داشتند که نمایندگانشان برای گرفتن نتیجه به تهران بروند ولی نمایندگان توضیح دادند که رفتن به تهران فایده ای ندارد. کارگران به بحث در این مورد نشستند و سرانجام به این نتیجه رسیدند که اصولاً قانون ضدکارگری است. پس چه در کارخانه، چه در تهران وجه در هر جای دیگر با استناد بدان آنها را سرخواهند تواند و حقوقشان را پایمال خواهند کرد. مهمتر از آن، تجربه سه کارگران آموخته است برای آنکه بی ببرند قانون حامی آنهاست یانه، تنها به متن قوانین نگاه نکنند بلکه ببینند که مجری این قانون کیست.

یکی از جریاناتی که وحدت مبارزاتی کارگران را تقویت نمود و آنها را برای حرکات بعدی آبدیده تر ساخت جریان مربوط به جلوگیری از خروج شکر بود. کارگران پس از مشاهده حقه بازبهای کارفرما و در رفتن مسئولان کارخانه از زیر بار پرداخت سودویژه و از آنجا شکر همواره تحت فشار و همیشه در معرض خطرهای ناشی از بیکار شدن، آنها بطلت تصمیم گیریهای خود سرانه و نفع طلبانه کارخانه داران و ابادیشان قرار داشتند و خطر بیکار شدن تهدیدشان میکرد، خواهشهای مشخصی را پیش کشیده، مبارزه برای رسیدن به آنها را با جدیت بیشتری آغاز کردند. خواهشهای کارگران باین شرح بود:

- ۱ - کارخانه باید بانه شکر از بیکار شدن کارگران جلوگیری بعمل آورد.
- ۲ - در مدت تعطیل شدن کارخانه، کارگران باید از حق بیکاری استفاده کنند تا بتوانند زندگی خانوادشان را تأمین نمایند.
- ۳ - با بیکار افتادن مجدد کارخانه همین کارگران باید با حفظ سابقه کار خود، بیکار مشغول شوند.
- ۴ - پرداخت سودویژه (مقدار آن از طرف نمایندگان کارگران و مسئولین کارخانه تعیین خواهد شد)
- ۵ - پرداخت مابه التفاوت اضافه کاریهای عقب افتاده از اول فروردین ۵۸ بر مبنای حداقل دستمزد تعیین شده
- ۶ - پرداخت پاداش معادل یکماه حقوق ثابت
- ۷ - دادن یک گونی (۷۵ کیلو) قند، به نرخ اداره قند و شکر به هر کارگر
- ۸ - پرداخت حق اولاد به کارگران

اتحاد، اتحاد، اتحاد - کارگران اتحاد

کارگران قسمت آذانت " حرکت را شروع کردند. آنها از حمل شکر بخارج از کارخانه جلوگیری نمودند البته تمام انبارهای کارخانه پراز شکر بود ولی بردن شکر بخارج از کارخانه بمعنی خاتمه اشتغال برای کارگران تلقی میشد. کارگران تشکل ساده ای بوجود آورده دست بکار شدند. آنها جلوی ماشینهای حامل شکر را می گرفتند و برانندگان خاطرنشان میکردند که اجازه خروج شکر را بیهیچ عنوان نخواهند داد. با شروع حرکت کارگران ناچار شدند خود را بیشتر متشکل سازند تا کارخالی کردن تریلی های حامل شکر را بهتر با نجام رسانند.

در این بین دم و دستگاههای سرکوب رژیم که از حرکت کارگران بوحشت افتاده بودند وارد عمل شدند و سپاه پاسداران (مزدوران ارتجاع) ، دوتن از نمایندگان کارگران را دستگیر و روانه زندان ساختند ولی کارگران متحداً " با اعتراض برخاستند و در نتیجه رژیم ناچار شد نمایندگان زندانی را آزاد نماید. یکبار دیگر هم یکی از نمایندگان دستگیر شد. این دفعه کارگران کار را یکی دوساعت خوابانند و قسم دادند داشتند دستجمعی بسوی محل زندانی شدن نماینده خود یعنی پاسدارخانه، راه پیمائی کنند که رژیم، از ترس آنکه مبادا این حرکت موجب تقویت همبستگی کارگران، بالابردن سطح تجربه مبارزاتی و آماده تر کردن زمینه برای مبارزات آتی کارگران شود، وی را آزاد نمود. ایادی و عوامل خود فروخته که در این جریان مثل سوک به ورجه و ورجه افتاده بودند و حاضر بودند همه چیز خود را بفروشند تا مبارزات کارگران بشکست بیانجامد، بهر اقدامی دست میزدند تا بقول خود اتحاد کارگران را بهم زنند و راه ادامه مبارزه شان را سد نمایند. از جمله مزدوری بنام " ریش سفید " ضمن بگو و مگو با کارگران بآنان توهین نمود.

کارگران دست از کار کشیدند و اعلام کردند تاریخ سفید در جمع کارگران حاضر نشود و نگویید " غلط کردم " بیهیچ وجه کار را از سر نخواهیم گرفت. کارگران میخواستند باین وسیله نشان دهند که بیهیچ کس، چه آن کارخانه داران وابسته به غارتگران خارجی وجه مزدوران و خودفروختگان اجازه نخواهند داد با تحقیر کارگران که بچیزی جز نیروی بازوی خود متکی نیستند، آنها را خرید کنند و میخواستند نشان دهند نمی گذارند کارخانه داران و مزدوران شرایطی را بوجود آورند که این زحمتکشان شرافتمند، کاملاً تحت تسلط آنها درآیند و میخواستند نشان دهند که منبسط اگر کسی از این خودفروختگان چاک دهانش را گشود، آنها هم لقمه دهن گیری دارند که در آن بتپانند.

ریش سفید که ابتدا در برابر اعتراضات خشم آلود کارگران از کارخانه گریخته بود ناچار دوباره حاضر شد و در جمع کارگران اقرار کرد: غلط کردم!

حالا دیگر مزدوران فهمیده بودند با چه کسانی طرفند، یکی یکی خود را کنار میکشیدند و کارگران استوار و آهنین، با مالیت تمام جلو میشتافتند. عظمت حرکات یکبارچه کارگران آنچنان عوامل خود فروخته را از ترس زهره ترک کرده بود که اگر تمام قندهای انبار را نیز قنداق میساختند و بخوردشان میدادند، فایده ای برای تسکین هراسان نداشت.

باری، نمایندگان کارگران نیز لحظه ای از یای نمی نشستند و ضمن شور و ملاح و مملحت با کارگران مرتباً " باین اداره و آن اداره میرفتند.

کارگران از میان انبوه مشکلات و موانعی که ناشی از دسیسه چینی های دشمنان مستقیم کارگران یعنی کارخانه داران وابسته و حامیان و مزدوران شان بود و همچنین تاثرات سوء و انحرافی که ناشی از اتخاذ تاکتیکهای نادرست بود راه خود را بسوی جلو میکوبیدند و پیش میرفتند. یکبار آنها تصمیم گرفتند با راه پیمائی در شهر اعتراضات خود را بطور مشخصتر بگوش مسئولین برسانند و مردم را نیز بیشتر در جریان خواسته ها و مبارزه خود قرار دهند. چند نفر گفتند که نه نه، الان وضعیت خراب است، اجازه بدهید انتخابات مجلس تمام شود، بعد دست به حرکت خواهیم زد. آنها میگفتند حرکت شما مانع از انجام انتخابات میشود و غیره غیره. در یک مورد حدود ۸۰۰ کارگر اجتماع کرده شعار میدادند که آقای فرماندار باید به جمع ما بیاید و به درخواستهای ما پاسخ دهد. عده معدودی از کارگران بسا حرکت انبوه کارگران موافق نبودند ولی از آنجائیکه کارگران بر اساس واقعیات جاری و بکمک حامیان واقعی شان به شناختی درست رسیده و ایمان حاصل کرده بودند که حکومت وابسته کمر به سرکوب و کشتار همه توده های ستمدیده ایران بسته است و جنایات هر روز هاش را بچشم خویش شاهد بودند، این رادریک میکردند که فرصت دادن به رژیم برای تثبیت این حاکمیت منفور، خیانت به قسپام خونین ایسران و بسند زدن به روح عمیانگر شان باین امیدواری که دولت، این تحفه وابسته به امپریالیسم مطلق اجتماعی و استعمار طبقاتی را که سبب شعله ور شدن آتش عصیان ستمکشان است ریشه کن سازد و با تحقیر

دهد. بمعنای خلق آویز کردن همه توده‌های ستمدیده و در رأس آنان طبقه کارگر بدست خود ستمکشان است. بنابراین حدود ۸۰۰ کارگر که با شعارهای خود دولت ضد خلقی را بمواخذه میکشیدند، کارگران معترض را وادار به پذیرش بی چون و چرای موضع کارگران راستین و نیروی از حرکات انقلابی خود در آنسروز نمودند.

فرماندار ورثین سپاه پاسداران که شخصی بنام زنده‌دل است در جمع کارگران حاضر شدند و با تشخیص آنکه هوای آنهاست و انمود کردند با کارگران موافقت و حتی فرماندار زیر ورقه‌ای را امضاء نمود که بموجب آن مزایای کارگران تا آخر سال ۵۸ میبایست پرداخت شود. ناگهان کارگری از بین جمع برخاست و فریاد زد: کاغذ بازی دیگر بس است، صبر مآتمام شده، باید جواب قطعی بدهید وگرنه ما کار نخواهیم کرد. در اینجا کارگران مهلت دیگری بمسئولین دادند و اعلام کردند بعد از تاریخ تعیین شده یعنی ۵۸/۱۲/۲۲، هر اتفاقی بیفتد، مسئولیتش بگردن فرماندار و سپاه پاسداران است.

روز ۵۸/۱۲/۲۲ فرماندار و زنده‌دل ورثین اداره کار در جمع کارگران حاضر شدند و کارگران چنان سؤال بیچنان کردند که حضرات اعتراف کردند حق با کارگران است.

زنده‌دل حرف آقای "مال" را تکرار کرد و گفت: "چون قانون جدید تدوین نشده ما باید منتظر مجلس شورای ملی باشیم تا قانون جدیدی وضع کند. حالا ما داریم با امپریالیسم مبارزه میکنیم و شما نباید زیاد به دولت فشار وارد کنید".

از آنجائیکه دیگر پته این حکومت برای کارگران روی آب افتاده بود، آنها درون دلشان به حرفهای این آقای زنده‌دل می‌خندیدند و یکی از کارگران در جوابش گفت: امپریالیسم چیزی نیست که خارچ از مرزها باشد، مبارزه با سرمایه‌داری یعنی مبارزه با امپریالیسم، پس ما کارگران ضد امپریالیسم هستیم چون در عمل این را ثابت میکنیم.

مسئولین دیگر حرفی نداشتند بزنند و ناچار شدند محوطه کارخانه را ترک کنند. در این بین رئیس کارخانه از تهران مراجعت نمود. وی سندی را با خود آورده بود که بموجب آن سودویژه سال ۵۸ میبایست بر مبنای حقوق سال ۵۷ پرداخت گردد. آقای "مال" میگفت که این تصمیم شورای انقلاب و مرکز شرکت سهامی اتکا در تهران است.

وقتی کارگران از موضوع باخبر شدند اعتراضاتشان بیشتر اوج گرفت. یکی از کارگران توضیح داد که این تصمیم ضد کارگریست و تصمیم کیرنده‌هایش ضد کارگرند. کارگری میگفت: سال گذشته ما تخم مرغ را دانه‌ای ۲ ریال میخریدیم ولی امسال دانه‌ای ۱۲ ریال شده. گوشت کیلویی ۵۰ تومان شده. پس چرا یک فکر نمیکنند که این قیمتها پائین بیاید ولی برای خوردن حق ما به سال گذشته استناد میکنند. آنها این نمی‌رسانند که مسئولین هیچگاه نماینده ما نبوده بلکه دشمن ما هستند؟ کارگردیگری ازجا برخاست و گفت: چون این قانون ضد کارگریست اگر ما این قانون را ناثبت کنیم بخون شهدای انقلاب خیانت کرده‌ایم. همه کارگران فریاد زدند: صحیح است.

مدتی پس از مبارزه در شرایطی که بعد از قیام مردم بوی خود آمده بود، کارگران جنبه‌های انحرافی حرکات خود را زدودند، و با کمک حامیان واقعی خوش دریافتند که باید اساساً "بخود و مبارزات بسی" - گیرشان منکی باشند تا بتواند راه دگرگون کردن شرایط اجتماعی را هموار سازند و مراحمه به ادارات مختلف و کارگران امپریالیسم استناد به قوانین ارتجاعی نباید اساس کار آنها برای رسیدن بخواسته - هایشان قرار گیرد، هرچند که از آنها نیز استفاده خواهند کرد.

کارگران در همین حرکت مورد بحث نیز با همین طرز برخورد انقلابی مبارزه را تشدید کردند. فعالیتست انقلابی لحظه به لحظه برشور کارگران میافزود، ابتدا چندین مرتبه اعتصاب اعلام شد و در جریان آن کارگران بوضع خودسرو سامان داده، تاحدی خود را متشکل ساختند، سپس طرح تصد کارخانه و مسأله محتویات انبار مورد بحث قرار گرفت و کارگران دستجمعی موافقت خود را با این طرح اعلام داشتند. آنگاه کارگران در حالیکه برای مقابله با عوامل ارتجاع به میله‌های آهنی و چوب مجهز شده بودند سراسر کارخانه را تصرف نمودند. در قسمت راضری کارگران به تحصن نشستند.

بنابه تصمیم کارگران، غیرازکارمندان فنی بقیه کارمندان ازکارخانه به بیرون فرستاده شدند. آقایان فرج الهی ورهبری توسط کارگران به گروهان گرفته شدند. یک تقسیم کار بعمل آمد و بهرکارگری مسئولیتی واگذار شد. مثلاً درحدود ۹۰ نفر ازکارگران مسئولیت انتظامات کارخانه را بعهده گرفتند. تعداد دیگری ازکارگران مسئول بخش تدارکات شدند و.....

پس ازتصرف کارخانه، اولین چیزی که کارگران بآن فکر کردند وضعیت سایرهم زنجیرانشان بود آنها اعلامیه‌ای صادرکردند ودرآن ازکلیه کارگرانی که درسال ۵۸ درکارخانه کارکرده بوده ودرزمان تصرف کارخانه درآن حضورنداشتند خواستند درکارخانه حاضرشوند تا با یکدیگر درموردسرنوشت مشترکشان تصمیم بگیرند.

ازبیرون سیل کمک‌ها سرازیر شد. کارگران بیکار و دیپلمه‌های بیکار اعلام همبستگی نمودند. برای جلوگیری ازاجراشدن دسایس احتمالی چندین تن ازکارگران مسلح شدند وبقیه با جوب، میله آهنسی، تیشه و سایر سلاحهای سرد ازکارخانه وکارگران محافظت میکردند.

گروهانها رانیز به قسمت رافتری بردند وگفتند تا زمانیکه مادرانجا خرما وپنیر ونان میخوریم شما هم باید بخورید و تا زمانیکه ماش‌ها روی گونی میخوابیم، شما هم باید بخوابید.

درطول تحمّن کارگران یک بیک پشت میکروفون قرار میگرفتند وکینه و نفرت خود را که ناشی از استثمار وحشیانه سالیان دراز بود بیرون میریختند. فضای کارخانه از فریادهای خشم کارگران انباشته شد. یکی ازکارگران هنگام سخن گفتن چنان با نفرت و خشم فریاد برآورد که بی حال شد و بر زمین افتاد.

حالا کارگران بوضوح میدیدند که چه نیروی عظیمی هستند. و میفهمیدند که با دست زدن به حرکات منجمده و انقلابی میتوانند این نیروی عظیم را بیکار اندازند و میفهمیدند برای آنکه بکمک این نیرو بسسه بهترین وجهی بادشمن مقابله کنند باید همان راهی را بپیمایند که یک مؤمن به آرمان پرولتاریا، یعنی یک انقلابی راستین می پیماید. در چند روزی که کارخانه در دست های توانای کارگران بود، آنها میدیدند اکنون این قدرت کارگری است که بر کارخانه حکمفرما است و دشمن در برابر همبستگی و شور مبارزاتی آنها سراسیمه عقب‌نشسته است، پس با گفتگو و مشورت و افشاکاری و غیره در محیطی عساری از فشارهای مختلف و تبلیغات مسموم کننده و سرکوب و..... بدانش سیاسی خود میافزودند. در خلال سخنان افشاکرانه کارگران ماهیت واقعی رژیم رابطور آشکارتری تشخیص میدادند و راه مقابله با آنرا میآموختند. در طول تحمّن چندبار کارگران در پشت بلندگو با یکدیگر سخن گفتند و چون حرفهایشان همان حرفهای سایر کارگران بود، همه کارخانه یکپارچه گوش‌شده بودند تا ببینند آنها چه میگویند و براستی در خلال گفتار و اعمال خود در جریان مبارزه بخش عظیمی از خصوصیات پرولتاریای سراسر جهان را که در کتابها و اخبار و..... منعکس شده است بی تکلف بزور دادند. در چنین حال وهوائی، پاسداران و ما موران شهربانی سر رسیدند اما خشم کارگران چنان توفنده بود که سرکوبگران حرات توسل بسسه خشونت را نیافتند و بالاخره هم کارخانه را ترک کردند. یکی از کارگران که مردی بیبر بود در برابر سرکوبگران ایستاد، جاک پیراهن خود را گشود و فریاد زد: اول از روی نعش من بگذرید بعد نمایندگان را دستگیر کنید.

یکپارچگی کارگران خاری شده بود در چشم سرمایه گذاران و ایسته کارخانه و سابه قدرت عظیم کارگران که در جریان فوق به نمایش گذاشته بودند همه جا این انگلهای اجتماع را تعقیب میکرد. حتی شعب این نیروی بیکران، مزدوران و خادمین امپریالیسم راست توحشت میانداخت. لذا سرانجام دشمنان تسلیم بواسته‌های کارگران شدند و با پرداخت ۷/۵ میلیون تومان که جزئی از حق مسلم کارگران بود موافقت بردند تا بخیال خود قال قضیه رایکنند.

پن بیروزی بیکار دیگر به کارگران نشان داد که با همبستگی و مبارزه پی گیر میتوانند حق خویش را بگیرند همچنین بیکار دیگر بکارگران ثابت شد تبلیغات کثیف و میشرمانه مزدوران امپریالیسم ر رادیو و تلویزیون و مطبوعات خود فروخته در مورد انقلابیون واقعی و وابستگی آنها به آمریکا! بله‌های خائسانه کسانی است که میخواهند بقول خود بین توده‌های ستمدیده و انقلابیون راستین که در راه آنها وهمدوش آنها مبارزه میکنند جدائی بیاندازند بطوریکه وقتی پاسداران (مزدوران ارتجاع) کارگران گفتند: " نماینده‌های شما میخواهند از شما مهر و امضاء جمع کنند و آنرا پیش‌شخص عزالدین بینی ببرند تا شاه را برگرداند "، کارگران یک صدا و خیلی ساده جواب دادند: نمایندگان ما برای فتن حق ما و سودویزه فعالیت میکنند.

آخرین کردهائی کارگران، نمایندگان برای آنها سخنرانی کردند و ضمن سخنرانی با بانسک

رسا اعلام داشتند :

کارگران بدانند تا زمانی که ظلم و ستم و استثمار هست، فدائی خلق هم هست. ما از اول با حیلدها و توطئه کارفرما آشنا بودیم اما از کشته شدن و تکه تکه شدن باکی نداریم. همانند آن جریک فدائی خلقی که خونس سنگفرش خیابانها را رنگین کرد. فدای کارگر میشویم - فدای خلق میشویم. فدائی خلقیم.

یکباره طنین فریاد اوج دار " درود برفدائشی " همه چیز را به لرزه درآورد و کارگران درحالیکه خود را برای مبارزات سختتری درآینده آماده میکردند، راهی محل کارشان شدند.

پیروز باد مبارزات حق طلبانه کارگران

میان دو آب کارگران کارخانه قند پس از مبارزاتی که برای دستیابی به حقوق حقه خود از سرگذراندند و شرح را فوقا خواندید تصمیم گرفتند برای ایجاد تسهیلات بیشتر در امور مبارزاتی خود دست به ایجاد " خانه کارگر " بزنند.

برای گفتگو در این باره، کارگران ابتدا در مسجد اجتماع نمودند و پس از یگرشسته بحث و تبادل نظر قرار بر آن شد که دنباله گفتگوهایشان را بعدها ادامه دهند. در این رابطه اعلامیه‌ای از سوی " هیئت مؤسس خانه کارگر " میان دو آب صادر شد که ذیلا میخوانید

برای ایجاد خانه کارگر بکوشیم

کارگران مبارز .

ما کارگران زحمتکش ترین افراد جامعه هستیم و همه چیز با دست ما ساخته میشود. اما در عین حال محرومترین نیروی اجتماعی هستیم. در زمان شاه خائن ما کارگران در زیر یوغ سرمایه داران وابسته و ماحسان شرکت‌های بزرگ قرار داشتیم. به شدیدترین وضعی از مایه‌ره کشی میشد. زندگی ما فلاکت بار بود نه خانه‌ای و نه کاشانه‌ای داشتیم. شب و روز جان می‌کنند اما تهیه ابتدائی ترین نیازهای زندگی برای ما - مان امکان پذیر نبود و وقتی کوچکترین اعتراضی به این شرایط غیرقابل تحمل میکردیم، با ساواک و شهربانی و غیره روبرو میشدیم و مورد سرکوب قرار میکردیم. بارها در زمان شاه، کارگرانی که برای اضافه دستمزد یا چیزهایی از این قبیل دست به مبارزه زدند، به رگبار بسته شدند و تعداد زیادی از کارگران کشته شدند. به همین دلیل کاملاً مشخص شد که رژیم شاه فقط حماقی است در دست غارتگران بزرگ برای سرکوب کارگران. اینهمه فشار و اینهمه حق کشی و زورکوبی‌ها سبب گردید که تمام زحمتکشان بر علیه رژیم وابسته به آمریکا خونخوار بیاخیزند و حتی از جان خویش نیز گذشتند پس هدف از مسارزه و انقلاب این بود که این همه ظلم‌ها از بین برود و کارگران و زحمتکشان زیر فشار غارتگران بین المللی نباشند. به همین دلیل بود که بعد از قیام ما انتظار داشتیم که بخواسته‌هایمان برسم و خواسته‌های خود را مطرح کردیم اما در مقابل این خواسته‌های برحق به ما ضد انقلاب گفتند. چون نمی‌خواستیم و صلای بسا بحسد و در عین حال فکر میکردیم این دولتی که بعد از قیام روی کار آمده، میخواهد تا حدی خواسته‌های ما را بدهد، بنا بر این صبر کردیم تا وضع خوب شود و کارها رو براه گردد. ولی در طی این مدت برخلاف انتظار

ما دولت موقت درجهت عکس خواسته های کارگران و زحمتکشان شهری و روستایی حرکت کرد و دوباره راهی را پیمود که رژیم سابق پیموده بود. نه تنها درجهت از بین بردن تسلط آمریکا حرکت نکرد، بلکه درجهت بیشتر وابسته کردن مابه آمریکا تلاش نمود. ما خیال میکردیم که از دست این سرمایه داران خلاص شده ایم ولی با کمال تعجب دیدیم که دوباره سرمایه داران و پولداران هر روز بر ثروتشان افزوده میشوند و ما هر روز بدیخت تر میشویم. بیکاری و بی بولی از یک طرف، گرانی، نبودن مواد غذایی از قبیل روغن، نفت و گوشت و میوه از طرف دیگر، زندگی ما را طاقت فرسا نموده است. این مسائل بیشتر برای ما و سایر زحمتکشان مطرح است. این فشارها همه بردوش ماست و گرنه ثروتمندان که دچار کمبود مواد غذایی نمی شوند. آنها با پول به بهترین وجهی میتوانند تهیه کنند. اما غیر از ماکسان دیگری هم هستند که فشار زندگی را و فشار غارتگران و سرمایه داران وابسته را تحمل میکنند. آنها دهقانان و تمام زحمت کشان شهری هستند. خلاصه بعد از قیام کم کم متوجه شدیم که همان طاغوتیان سرکارند. مثلاً "توی کارخانه قند همان پورعظیم ها هستند که محکم تر از سابق سر جای شان نشسته اند و مدیران کارخانه هم همان مدیران سابق هستند و سندیکاهای ضد کارگری هم دقیقاً مثل سابق می خواهد بازسازی شود و کارگران مبارز بی دربی از کارخانه اخراج میشوند و بعضی هم دستگیر میشوند. تمام مزایای ناچیزی که بسوی کارگران پرداخت میشد از قبیل سود ویژه و بیمه و غیره بوسیله همین پورعظیم ها بالا کشیده میشود. یعنی خلاصه ما تازه متوجه شدیم که فقط فریب خورده ایم و دولت فعلی هم همان نقش دولت سابق را ایفا میکند اگر چه افرادش عوض شده اند. بنابراین دوباره به مبارزه خود ادامه دادیم، اعتصاب کردیم، تحصن نمودیم و خلاصه در این مبارزه قدم به قدم پیش میرویم همانطور که تا کنون هم در این مبارزات چیزهایی اگر چه ناچیز بدست آوردیم. بدست آوردن همین چیزهای کوچک و همین قسمت کم از حقوقمان فقط درسنامه اتحاد و یکپارچگی بوده است. سرمایه داران هر روز خود را جمع و جور میکنند، آنها در سراسر جهان با هم متحد میشوند تا کارگران را بیشتر سرکوب سازند. آنها دارای دولت و ارتش، پلیس و غیره هستند. اما در عین حال از تحریکات یکدیگر نیز استفاده میکنند تا کارگران را بیشتر مورد بهره کشی قرار دهند و خلاصه ما با دشمنی روبرو هستیم که بطلت و وحشی که از کارگران و سایر زحمتکشان دارد همیشه در حال توطئه است چگونه میتوان این دشمن را نابود کرد؟ چگونه میتوان خود را از اثر سرمایه داران خلاص کرد؟ فقط در سایه اتحاد و یکپارچگی و پیش گرفتن راه درست مبارزه. آنها که آن بالا نشسته اند فقط حرف میزنند آنها می خواهند ما را فریب دهند مگر نه این است که کارگران و زحمتکشان گرداننده اقتصاد مملکت هستند؟ یعنی با اصلی اقتصاد و تولید روی دوش آنهاست؟ پس چرا کارگران و دهقانان، برق، آب آشامیدنی و جاده، بهداشت، حمام و هزاران چیز دیگر را ندارند؟ و چرا بسیاری از روستاییان بی زمینند؟ بسیاری از آنها که حتی زمین هم داشته اند روستای شهرها می آورند و در حصار آبادها، حلبی آبادها و زاغه ها ساکن میشوند؟ اگر واقعاً راست میگوید مبنایست برای زحمتکشان شهروستا کاری انجام دهد آنها هدفشان نجات سرمایه داری وابسته است. گاهی مثلاً به حقوقها اضافه میکنند اما به برابری قیمت اجناس را افزایش میدهند. چرا بیکاران هنوز بیکارند و هر روز بر تعدادشان افزوده میشود؟ ریشه همین مسائل در ماهیت این رژیم و روابط و قوانین حاکم بر جامعه قرار دارد. تمام این بدیختیها ناشی از سرمایه داری وابسته و بحرانهای داخلی آنست و رژیم بطلت اینک خودشان نیز به همین سرمایه داری متکی است، نه تنها نمیتواند و نمیشود با سرمایه داری وابسته مبارزه کند، بلکه درست راه عکس را طی میکند. هر روز در ظاهر به آمریکا فحش میدهند اما تمام سرمایه داران وابسته را دارند برمی گردانند و در عرض این یک سال نه تنها قراردادهای امارتبار را لغو نکرده اند، بلکه چندین قرارداد جدید نیز با امپریالیسم بسته اند. مگر رژیم شاه دقیقاً همین کارها را نمی کرد؟ و ما دیدیم که تمام مردم با اتحاد و یکپارچگی خود چگونه این سرمایه داران را فراری دادند ولی این رژیم فعلی دارد آنها را برمی گرداند و هر روز برای سرکوب کارگران با سدار و کمیته جی به کارخانه ها روانه میسازد. با نوجوه به همه اینها و با توجه به اینکه دشمن همیشه در حال توطئه است و با توجه به اینکه دشمن ما سازمان یافته است و می خواهد با یرا کند. کردن ما هر چه بیشتر بر ما سوار شوند، ما باید منافع خود را تشخیص دهیم، متحد و یکپارچه شویم. آنها همانطور که گفتیم دارای ارتش، پلیس و وزارتخانه های جهانی و غیره هستند اما ما باید نتیجه بگیریم که پس گازی نمی توانیم بکنیم؟ نه این طور نیست در همه جهان هر وقت کارگران و زحمتکشان متحد شده اند حتی توانسته اند ارتش دشمن را نیز نابود کنند. همین قیام اخیر نشان داد که میتوانیم دشمن را نابود کنیم اما متأسفانه فریب خوردیم، بهر حال ما خواستیم با این مقدمه این مسئله را مطرح کنیم که بیشتر کارگران دارای مسائل مشترک هستند. اگر آنها بتوانند

از تجربه، یکدیگر استفاده کنند زودتر به بیروزی خواهند رسید. یکی از راههای تبادل نظر این است که محلی باشد همه کارگران بتوانند در آنجا آمد و رفت داشته باشند و با هم تبادل نظر کنند و از تجربه سایر یکدیگر آگاه شوند. علاوه از این طریق تاحدی میتوانند به یکدیگر نیز نزدیک شوند. ما این محل را خانه کارگر می نامیم ما از طریق خانه کارگر حتی میتوانیم صدای خود را بگوش مردم برسانیم میتوانیم برنامه های مخصوص خود را پیاده کنیم و سندیکا های واقعی صنفهای مختلف را در آنجا تشکیل دهیم و حتی میتوانیم برای کارگران بیسواد و یا کم سواد در آنجا کلاسهای آموزشی ترتیب بدهیم. علاوه این خانه کارگر میتواند به شکل ما تاحدی کمک کند میتواند به رشد آگاهی ماکمک کند. مادرخانه کارگر میتواند در جهت ایجاد تشکیلات صنفی خود از قبیل شورا و سندیکا و اتحادیه و غیره حرکت کنیم. این تجربه ای است که در شهرهای دیگر ایران مانند اصفهان و تهران و قزوین و تبریز تجربه شده و موفق هم بوده است. البته کارفرما و صاحبان سرمایه و مسئولان امور چنین چیزی را بجا نخواهند داد مگر اینکه خودمان در این جهت مبارزه کنیم و ساختمانهای خالی که در شهر خودمان (مياندوآب) وجود دارد میتواند برای این منظور مورد استفاده قرار گیرد.

هیئت موسس خانه کارگر - میاندوآب

۵۹/۱/۸

روز اول ماه مه بیانگر اراده آشتی ناپذیر پرولتاریا و کینه طبقاتی او به استثمارگران است.

چریکهای فدائی خلق میگویند: کارگران ما با تسلیح خود، اراده

آشتی ناپذیر خود را در مقابل استثمارگران و زورگویان به عالیترین وجه نشان

خواهند داد.

پس پیش بسوی تشکیل هسته های مسلح کارگری!

از رزمندگی کارگران در اول ماه مه بیاموزیم

همه ساله کارگران سراسر جهان در روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) مراسم باشکوهی برگزار میکنند و این روز که روز نبرد خونین طبقه کارگر علیه سرمایه‌داری است ، گرامی میدارند. در این روز (سال ۱۸۸۶) کارگران شهر شیکاگو با مبارزات قهرمانانه خود توانستند با وحدت و یکپارچگی تظاهراتی باشکوه بر علیه قوانین سرمایه‌داری صورت دهند. میدانیم که در اول ماه مه سال ۱۸۸۶ کارگران مبارز با نمایشات چند میلیونی بعنوان اعتراض بقوانین ضدکارگری سرمایه‌داران مواجه با پلیس این همیشه حامی سرمایه‌دار شده و تظاهرات آنها بخون کشیده میشود. پلیس عده زیادی از کارگران را بقتل رسانده ، حتی چهارتن از رهبران جنبش عظیم کارگری شیکاگو را پس از دستگیری با عدام محکوم مینمایند. ولی با کشتن رهبران کارگران نیز نتوانستند مبارزات برحقشان را خفه و سرکوب کنند. کارگران نشان دادند جهت دریافت خواسته‌های خود از پای نمی‌نشینند، با در نظر گرفتن شرایط کار، در زمان وقوع حوادث (اول ماه مه ۱۸۸۶) ساعت کار کارگران (حدود ۱۲ ساعت در روز) ، شرایط سخت محیط کار، وجود خیل سیکاران در پشت درهای واحدها ، کمی دستمزد ، اختناق در کارگاهها ، جرمه ، تنبیه و زندان، همه و همه بخوبی مشخص میکند که چگونه مبارزات کارگران در روند تکاملی خود دست‌آوردهای راهبره داشته است.

تثبیت ۸ ساعت کار در سراسر جهان ، دریافت مزد برابر بین زن و مرد و نتیجه‌ای از همان مبارزات کارگران میباشد. حال برای بزرگداشت قهرمانی‌های کارگران در اول ماه مه که نتایج آن شامل اکثر کارگران دنیا گردیده همه ساله کارگران سراسر جهان بمنظور بزرگداشت سنت‌های انقلابی خود این روز را گرامی میدارند و کارگران آگاه در این روز عزم خود را در مبارزه علیه ستم سرمایه‌داران و رهائی کارگران از بردگی سرمایه اعلام میکنند. ولی در عوض سرمایه‌داران و دولت‌های مدافع منافع آنان ، برای اینکه بدروغ خود را حامی و دلسوز کارگران نشان دهند ، عوامفریبانه از برگزاری مراسم اول ماه مه با مصطلاح استقبال میکنند. سرمایه‌داران گویا فراموش کرده‌اند که این روز سالروز نبرد طبقه کارگر علیه سرمایه‌داران و روز همبستگی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان است. حمایت و یار شرکت سرمایه‌داران و دولت‌های حامی آنها در این روز بخاطر احترام به سنت‌های انقلابی طبقه کارگر ، این دشمن آتشکی ناپذیر سرمایه نمیشد بلکه آنها با این عمل خود، میخواهند به روی خطت طبقاتی این روز سایه بیفکنند و به نحوی که شده از اهمیت این روز تاریخی بکاهند. حاکمیت جدید که از زمان روی کار آمدن خود، قدمی در راه منافع طبقه کارگر برنداشته است ، سعی دارد از طریق شرکت در بزرگداشت این روز، کنترل مبارزات کارگران را در دست خود گیرد و مانع پیوند طبقه کارگر با پيشاهنگان راستین خود گردد. این روز یادآور مسئله‌ای بس مهم برای کارگران سراسر جهان است ، رزم انقلابی کارگران و اتحاد و یکپارچگی آنان علیه مناسبات موجود فاسد پیروزی طبقه کارگر علیه ظلم و ستم طبقاتی و استقرار یک جامعه نوین بدون استثمار انسان از انسان میباشد .

شما کارگران با مبارزات خود در یکسال اخیر که ابعاد نوینی یافته است ضمن دستیابی به شوراها و نسبتاً واقعی و ارتقاء رشد مبارزاتی خلقهای ایران یک سلسله مبارزات را از طریق همبستگی شوراها در جهت سازماندهی علیه سرمایه‌داری وابسته و حاکمیت واحدها موجب شدید، و نهایتاً با تشکیل خود در اتحاد شوراها گیلان نسبت به مموبه شورای ضد انقلاب درباره سودویژه اعتراض نموده و با دریافت سودویژه طی تائیدیه مجمع عمومی اتحاد شوراها نقطه نظرهای خود را از طریق اتحاد و همبستگی بکری نشانید این یک تجربه و اخلاق نوین برای کارگران ما است .

کارگران رزمنده و انقلابی .

همانطوریکه دیدیم تنها در جریان یک مبارزه فعال و متشکل است که طبقه کارگر بی‌بفدورت خود برده و دوشادوش مبارزات خلقها (خصوصاً " پرچم دار آن مبارزات خلق کرد) به مبارزات ضد امپریالیستی کشورمان را پیر توان تر خواهد کرد. با نگرشی کوتاه بگذشته می بینیم (مبارزات سال ۵۷) که چگونه با ورود کارگران صنعت نفت به عرصه مبارزه ، مبارزات ضد دیکتاتوری ضد امپریالیستی میهنمان عمق و ابعاد نوینی مییابد. بکوشیم چون کارگران مبارز اول ماه مه و همیای مبارزات کارگران دنیا عمل نمائیم .

کارگران انقلابی و رزمنده گیلان .

سرمایه‌داران و جیره خواران آنها همواره در فکر توطئه حدیدند تا بدین وسیله مبارزات پرشور مردم میهن ما را سرکوب سازند. اینگونه توطئه‌ها هر روز بشکلی جدید صورت میگیرد، یکروز به بهانه نجات "اسلام" روز دیگر بهانه پاکسازی محیط دانشگاه و غیره، شام نمونه این توطئه رادشهرخسود شاهد بودید، شما با چشم خود دیدید که عمال رژیم کتونی چگونه جوانان انقلابی ما و توده‌هایی که به پشتیبانی از آنها برخاسته بودند بخاک و خون کشیدند و صحن دانشگاه این سنگر آزادگان را از خون انسان گلگون ساختند .

ما جانبداران "جریکهای فدائی خلق" گیلان، شما کارگران رزمنده هشدار میدهم که توطئه - ای از قبل تدارک دیده برای درهم کوبیدن شما را در جریان است و این پدیده جدا جدا از یورش همه جانبه حاکمیت جهت پاک نمودن پشت جبهه مبارزات خلق کرد نمیباشد. گرچه اسناد و مدارک این توطئه در دست نیست، بقینا "درآینده افشاء خواهد گردید ولی از هم اکنون شواهدی از آن در واحدها با توجه بموارد زیر بچشم میخورد :

الف تشکیل کمیته کارگری در سپاه پاسداران و وارد شدن بداخل کارگاهها توسط این ارگان ضد خلق از طریق بهانه قرار دادن برگشت بکار بعضی از کارگران اخراجی مربوط به سالهای قبل .
ب- نفوذ مودبانه عناصر خودفروخته، کانون کارگران مسلمان (برهبری کاندید مرتجع و تعمیلی مجلس شورا) از طریق کارگران فریب خورده و ناآگاه در درون واحدها و به انحراف کشیدن مبارزات کارگران .

ج - ایجاد آشوب و درگیری کاذب در واحدهای تولیدی توسط ارگانهای ضد کارگری (استانداری، سپاه پاسداران، نماینده امام و.....) از طریق ایادی خود و بعضی از کارگران فریب خورده، و در نهایت ورود آنها به کارگاهها جهت برقراری آرامش که سرکوب شما را در بر خواهد داشت .

همه و همه گواه این توطئه بر علیه کارگران و شوراهای آنان میباشد، برعهده همه کارگساران بیشتر از مبارز و آگاه است که برای خنثی کردن این توطئه همه توان خود را بکار گیرند، و با توجه به جو ایجاد شده در سطوح مختلف زمینه عملکرد ضد انقلاب را از بین ببرند .

برعهده کارگران مبارز و آگاه است که با کار تبلیغی و ترویجی خود خصوصا از طریق هسته‌های مخفی، کارگری در درون کارگران دست به افشاگری زده و مبارزات توده را در تمام سطوح و خصوصا مبارزه خلقها را بدرون طبقه ببرند، باشد که از این طریق به حمایت از مبارزات خلق کرد که بایست و حشانه ارتش ضد خلقی و پاسداران انقلاب روبرو شده‌اند، بر خیزیم و پایه‌های شوراهای واقعی را قوام بخشیم و بکوشیم تا بد مبارزات پیگیرمان مبارزات طبقه را اعتلا بخشیده، جهت پیوند با مبارزات خلقها بر زیر رهبری خود مبارزات ضد امپریالیستی کشورمان را سرانجام رسانیم .

گرامی باد خاطره اول ماه مه روز جهانی کارگران

پیروز باد رزم انقلابی کارگران سر علی

سرمایه‌داری وابسته

پیش سوی تشکیل هسته‌های مسلح کارگری

جانبداران "جریکهای فدائی خلق" گیلان

۵۹/۲/۱۰

روز جهانی کارگران گرامی میداریم

هواداران جریکهای فدائی خلق ایران - اران

دوجزوه زیرجاری مطالبی است . درباره مبارزات کارگران برای گرفتن قسمتی از حقوق حقه شان در برابر رژیم کنونی و همچنین نحوه پرداخت سودویژه ، آنطور که " شورای انقلاب " آنرا تصویب کرده است . ما قسمتهایی از این دوجزوه را در اینجا نقل میکنیم و خواندن تمامی آنرا به رفقای کسارگر توصیه می نمائیم .

سود ویژه

از: جریکهای فدائی خلق ایران

".... قانون سهم شدن به تبصره ۵ از ماده ۲ میزان سهم سودویژه را ۲۰٪ سهم سودویژه در نظر گرفته است . با توجه به ماده مذکور حداکثر سودی که به کارگران تعلق میگیرد از ۲۰٪ سهم سود خالص تجاوز نمیکنند . یعنی آنچه که در موردش آنقدر تبلیغات راه انداخته و جنان وانمود کرده بودند که گویا کارگران پاک صاحب کارخانه شده و در سود حاصله از آن سهم شده اند ، ۲۰٪ است و ۸۰٪ نیز بکارفرما تعلق دارد ، ولی بوجی این تبلیغات وقتی کاملاً افشاء میشود که بدانیم همین میزان ۲۰٪ هم به کارگران پرداخت نمی شود....."

صفحه ۲۸

".... از آنجائیکه ۲۰٪ سهم سود مقرر قانون نه بر مبنای سود واقعی بلکه به میزان دلخواه سرمایه دار تعیین میشد و در حقیقت مبلغی بود که از حقوق کارگر کسر شده باین صورت دوباره به او پرداخت میشد لذا همواره در هنگام عقد پیمان اختلافات آشکار و پنهانی مابین کارگران و سرمایه داران بروز میکرد....."

صفحه ۲۸

مبارزه ضد امپریالیستی یا

عوامفریبی ؟ از: جریکهای فدائی خلق ایران - اورمیه

".... حکومت انقلابی" کنونی از همان ابتدا مخالفت خود را با شوراهای و سندیکاها و واقعی کارگران نشان داد . این حکومت تا آنجا که توانست مستقیماً به شوراهای حمله کرد ، نمایندگان کارگران را دستگیر و زندانی نمود ، در کار شوراهای اخلاص کرد و زمانی که حمله مستقیم را به علت توده‌ای بودن شعار شوراهای بسود خود ندید ، خود را حامی شوراهای وانمود کرد....."

صفحه ۵

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

برهبری طبقه کارگر

رفقای مسئول توزیع خبرنامه

بهای خبرنامه ۲۰ ریال است ، ولی برای توزیع آن در بین زحمتکشان بولی دریافت نکنید .